انعکاس

نامه سرگشاده اردشیر صالح‌پور، استاد دانشگاه و پژوهشگر فرهنگ و هنر بختیاری به رئیس صداوسیما

جناب آقای جبلی
مدیرعامل محترم سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
با سلام؛

متأسفانه به نظر می‌آید رسانه ملی نسبت به مردمان شریف و اصیل بختیاری و قوم بزرگ لُر که بخش قابل توجهی از جمعیت کشور قلمداد شده و جزء قدیمی‌ترین و وفادارترین اقوام کهن ایران به شمار می‌روند، رفتار و رویه مهرآمیزی نداشته و همواره با ساخت سریال‌های غیراصولی و گاه موهن، زمینه دلسردی و نگرانی این تبار شریف را فراهم آورده و متأسفانه این آسیب‌ها همچنان در حال تکرار است.

بی‌شک جناب‌عالی خاطره تلخ سریال «سرزمین کهن» را به خاطر دارید که هم پخش آن سریال قریب به ۱۰ سال به تعویق افتاد و هم مدیران مربوطه صداوسیمای وقت مجبور بـه عذرخواهی از مردمان پنج استان بختیاری‌نشین شدند.

با این اوصاف، گویا جرخ بی‌مهری نسبت به تاریخ این قوم دلیر و سلحشور که همواره در راه ایران عزیز جان‌فشانی کرده، بر همان مدار می‌چرخد و آن سازمان بار دیگر بدون همکاری و هماهنگی و عدم بهره‌گیری مستقیم از پژوهندگان و اصحاب و اولیای فرهنگ، تاریخ و هنر بختیاری، اقدام به ساخت سریال «سردار شهید شیرعلی‌مردان» کرده که موجبات نگرانی بختیاری‌ها را فراهم آورده است که بسی مایه تعجب و تأسف است!

آقای جبلی، در مثل است که می‌گویند مؤمن کسی است که دو بار از یک سوراخ گزیده نمی‌شود! اما اجازه دهید یادآور شوم، مدیران شما گویا اصرار بـر آن دارند که زمینه دلخوری قوم بزرگ لر را دیگر بار برانگیخته و اسباب رنجش آنان را به تکرار فراهم آورنـد. همچنین اجازه دهید این ضرب‌المثل را در تکمله به شـعر یادآور شوم که: از طلاوون پشیمان گشته‌ایم، مرحمت فرموده ما را مسکنید.

به نظر می‌آید آن اثر رسـانه طبق روال گذشـته نسـبت به تاریخ فرهنگ مردمان بختیاری بی‌توجه و کم‌لطف باشـد، بهتر از آن اسـت که با سـاخت سریال‌های جعلی، غیرواقعی و موهن، موجبات سوءتجویی و انتفاع عده‌ای از تهیه‌کنندگان و سـازندگان را در اولویت قرار دهد، وانگهی بختیاری اجازه نمی‌دهد دیگران و غیرمتخصصان و ناآگاهان و کسـانی که هیچ شـناخت، اشراف و تعلق‌خاطری به بختیاری ندارند، برای آنان فیلم و سریال بسـازند.

قطعا شـما به‌عنوان مدیر رسانه ملی، این حق را به بختیاری‌ها می‌دهید که خود در ساخت، تولید و معرفی تاریخ و فرهنگ‌شان که همواره در جهت حفظ کیان این سـرزمین، نقش‌آفرین بوده، دیگران برای آنان تاریخ‌نویسـی و سریال‌سـازی نکنند. هرچند کارنامه درخشـان و جان‌فشانی آن مردم شریف را در راه ایران خود گواهی تاریخی و آشکار و بی‌نیاز از سریال‌سـازی‌های مدیران شماسـت.

جهت اطلاع به اسـتحضار می‌رسـاند که نه تهیه‌کننده و نویسـنده و نه مشاور و نه کارگردان سـریال شـیرعلی‌مردان بختیاری نبوده و کوچک‌ترین شـناختی نسـبت به این فرهنگ و برهه از تاریخ بختیـاری ندارند. همچنین متذکر می‌شود که متن نوشـته‌شده توسط پژوهندگان و کارگردانان بختیاری‌تبار که خود از اسـتادان و صاحب‌نظران این رشـته هسـتند، مطالعه شـده و با حقایق تاریخی و فرهنگ بختیاری و زندگی واقعی و مبارزات شهید شیرعلی‌مردان که همچنان مفقودالجسد اسـت، سـازگاری نداشته و زاییده تخیلات سینمایی آنان اسـت و با شـئونات تاریخی بختیاری انطباق ندارد.

به این وسـیله از جناب‌عالی به‌عنوان مقام مسـئول و پاسخ‌گو و در مقام انصـاف و عدالت انتظار می‌رود نسـبت به جلوگیری از تولید و سـاخت این سریال اقدام فوری را دسـتور فرمایید تا بیش از این موجبات دلسـردی و نگرانی قوم لر و بختیاری فراهم نشود.

به‌رونوشت: جناب آقای دکتر پزشکیان، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران.

- نمایندگان مردمان شریف اسـتان خوزسـتان، لرسـتان، اصفهان و چهارمحال‌وبختیاری
- کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

خبر

«دامجی» برنده جایزه ویژه جشنواره ژاپنی شد

فیلم کوتاه «دامجی» به کارگردانی نازنین جیت‌ساز و تهیه‌کنندگی حسـن حبیب‌ازاد، محصول مرکز هنری فلوت سوره، موفق به کسـب جایـزه ویـژه منصـور ریسـت از بیسـت‌وششـمین دوره جشـنواره Short Shorts Film Festival & Asia در کشـور ژاپن شـد. این جایزه که هرسـاله با همکاری وزارت محیط زیسـت ژاپن و همزمان با روز جهانی محیط زیسـت (سـپتامبر ژوئن) اجرا می‌شـود، به آثاری تعلـق می‌گیرد کـه پیام محیط‌زیسـتی آن بیـش از دیگر آثار، الهام‌بخش، تاثیرگـذار و الگـوی بخش باشـد. «دامجی» به واسـطه روایت جیت جیرنـدایره، دلایلش از تفکر او به عرصه کشـد. خب، ما سال‌هاست توی بحران جیت جیرنـدایره. دلایلش هم به نظرم بسـیار زیاد اسـت و می‌توان در یک بحث مفصل به آن پرداخت. از یک طرف هم مسـئله سرمایه است و خصوصـی‌شـدن تئاتر و سینما. وقتی سرمایه‌گذار خصوصی وارد این حوزه می‌شود، معمولا دانش و نگرش خیلی ندارد و انتظاری هم از او نیسـت؛ چون انتظاری که سرمایه‌گذار خصوصی دارد، این اسـت که سرمایه‌اش برگردد و این باعث جمع اتفاقی می‌شود؛ اینکه یـک هنرمند خیلی کم شود. یعنی هنرمند یا مسئله‌ای مواجه می‌شود که اسـمش «مسـئله سرمایه» و «تعهد نسـبت به سرمایه‌گذار» اسـت و این می‌شـود که ما در می‌شود و مراسـم الهامی جوایز نیز در تاریخ ۱۱ ژوئن برگزار خواهد شد. این جشنواره با هدف کشف اسـتعدادهای نو، ترویج تنوع فرهنگی و حمایت از سـینمای مسـتقل، به نمایش آثار کوتـاه در بخش‌های مختلف ازجمله داسـتانی، مسـتند، انیمیشـن، تجربی و موسـیقی ویدئو اختصاص می‌دهد. ویکرد به‌رونـو هسـتیم، آموزش است که اساسـا سیسـتم آموزشی درسـتی وجود ندارد و هنرمند نیز با آزمون و خطا و تجربه به دسـتاورد هنری می‌رسـد نه بر اسـاس سیسـتم آموزشـی درسـت و به‌روز. از طرف دیگر موجودهای اسـت که مخاطب جوان به‌واسـطه اسـت رد داریم. مخاطبان دیگر که با تکنولوژی رشـد کرده و در آن متبحرند تا شاید آشـنایی با ادبیات و متون قدیمی، ادبیات، پایه هنرهای نمایشـی است. وقتی با جوانی روبه‌رو می‌شویم که می‌بینیم حتـی در جمله‌بندی‌ها و املای کلماتشـان هم انگار ساده‌سـازی با ادبیات مسـئولیت انسـانی در قبال طبیعت و زمین را به تصویر می‌کشـند. بخش بیـن‌الملل این فیلم کوتاه پر عهده مرکز بین‌الملل سوره است.

بهنازشیرانی

گفت‌وگو با آزاده صمدی از تجربه زیستن در نقش‌ها تا مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی

من آدم تحمل سکوت در مسئله زن نخواهم بود

آزاده صمدی ازجمله بازیگرانی است که مسـیر حرفـه‌ای‌اش در دو دهه اخیـر، ترکیبی از حضور در جریان اصلی سـینما، تلویزیون و تئاتر ایران بوده اسـت. او با نقش غزل در سریال تلویزیونی «راه بی‌پایان» به‌طور جدی به مخاطبان معرفی شـد و پس از آن با حضور در فیلم‌ها و سـریال‌هایی همچون «آفریقا»، «سیزده»، «طبقه حسـاس»، «رهایم کن»، «می‌خواهم زنده بمانم»، «افعی تهران»، «بنجاه کیلو آلیاو و... به سـرسـیر ادامه داد و چهره‌اش را میان عموم مخاطبان تثبیت کرد. در تئاتر اما کارنامه او متنوع‌تر و گسـترده‌تر است؛ از نمایش‌های عاشقانه. خانوادگی و اجتماعی گرفته تا اجرایی که در آنها به تجربه بازی در نقش‌های پیچیده‌تر روی آورده اسـت. او بازیگری اسـت که انتخاب کرده هم در آثار عامه‌پسـند حضور داشته باشد و هم در آثار جدی‌تر. در این گفت‌وگو، با نگاهی به تازه‌ترین حضور او روی صحنه در نمایش «عزادار» و تهیه‌کننده‌گی نمایش «ورق‌الخیال» به سـر تجربیات شـخصی و اجتماعـی صمدی نیز پرداخته‌ایم؛ از انتخاب نقش‌ها و تلاشـی که برای حفظ استقلال حرفه‌ای در سال‌هایی بر از سانسور، حاشیه و گاه انزوا داشته است. در ادامه شما را به خواندن این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

به‌تازگی نمایش «عزادار» را با بازی شما دیدم که نقش بسـیار متفاوتی است. فکر می‌کنم این تفاوت را مخاطبان این مصاحبه با دیدن بازی شما روی صحنه متوجه خواهند شـد. نقش زنی را بازی کرده‌ای که انتخاب کرده عزادار باشـد؛ اما نه لزوما به خاطر مرگ کسـی، بلکه به خاطر حذف‌شدن خودش. اتفاقا در این حذف‌شدن انکار در سایه می‌ماند و از همان جا کنشگری را انتخاب می‌کند. این نقش، در امتداد باقی انتخاب‌های شماسـت. من در این سال‌ها از آزاده صمـدی نقش زن‌هایی را دیدم که تنها هسـتند، مسـتقل و در واقع مبارزه می‌کنند. از همین‌جا آغاز کنیم و کمـی در مورد این نقش صحبت کنیم و در ادامه، خیلی دوسـت دارم جواب این پرسش را داشته باشم که اسـاسا در سینمای ایران زن‌بودن یک نقش ساده است یا یک مبارزه واقعی؟

شاید این نقش‌ها به سراغ من می‌آیند، چون به به عنوان بازیگر، در بسیاری از مواقع در مقام انتخابگر نیسـتیم. بلکه انتخاب می‌شـویم و شـاید یکی از ضعف‌های بازیگری هم همین مورد اسـت. در بابـ به سؤال شما که چطور شـد این نقش را بازی کردم؟ واقعیت این اسـت که من در این سال‌ها، چه در حوزه سـینما و چه در تئاتر، خیلی متن‌های اسـتخوان‌داری نمی‌خوانم؛ یعنی اینکه اقتباس باشـد یا نمایش‌نامه‌هایی که توسـط نویسـندگان قدری نوشـته شـده‌اند. در سـال‌های اخیر کمتر پیش آمده متنی مرا جذب کرده باشد. معمولا این اتفاق نیفتاده، اما وقتی متن «عزادار» را خواندم، واقعا برایم جالب بود.

این نمایش برای من دربازه سوگ اسـت؛ درباره جامعه‌ای همیشـه سوگوار. از نگاهی دیگر، جهانی اسـت که انسـان‌ها به رفتار مسـئول توجه کم‌تری نشـان می‌دهند. علاوه بر این، نقش کلیدی و مهم مادر هم برای آن را مدام بازسـازی می‌کند. وقتی به این نقش فکر می‌کنم که به نظرم خیلی توانمند و دوست داشتنی است و داستان معروف لباس پادشاه نیز در حقیقت، شرح حال افراد و نهادهایی نظیر کوکل است که نام جعلی برای خلیج فارس را به کار می‌برند، بی‌آنکه برای بیان حقیقت ارزشی قائل باشند. البته به احتمال فراوان همان‌گونه که در داستان اصلی نیز هیچ‌کس جرئت بازگوکردن حقیقت را نداشت، در فقره جعل نام تاریخی خلیج فارس نیز بسیاری از رسانه‌ها و نهادها از ترس از دست دادن منافع مالی یا سیاسی، جرئت بیان حقیقت را پیدا نمی‌کنند.

متصور اسـت که شـرکتی مانند کوکل، برای حفظ روابط با برخی کشـورهای عربی و منافع تجاری اسـت که حاضر به بیان دروغی به این آشکاری شده اسـت؛ وگرنه چگونه می‌توان باور داشـت شـرکتی که خود یکی از بزرگ‌ترین موتورهای جسـت‌وجوگر در وب را مدیریت می‌کند، تاکنون در متون مسـتند یونانی، رومی، فارسـی و عربی که از هزاران سـال پیش موجود است، با نام‌هایی مانند سینوس پرسـیکوس، Persian Gulf یا خلیج فارس مواجه نشـده باشد. مسلم اسـت این اقدام کوکل و البته قبل‌تر از آن نیـز اظهارات رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، نتیجه یک معامله تجاری با یک توطئه پان‌عربیسم است که برخی کشـورهای عربی با سـرمایه‌گذاری روی رسانه‌ها و شـرکت‌های فناوری سعی در نهادینه‌سـازی آن دارند. اینکه سیاست‌های دوگانه کوکل در به‌کاربردن نام خلیج فارس و نام جعلی آن یک خطای فنی اسـت یا یک جهت‌گیری سیاسی، البته موضوع مهمی اسـت؛ اما آنچه بیش از هر موضوع دیگری حائز اهمیت اسـت، این اسـت که جعل هویت فرهنگی و نقشـه تغییر نام به‌عنوان بخشی از جنگ نرم برای حذف هویت ایرانی این منطقه اسـت. این اقدام نه‌تنها یک اشـتباه تاریخی، بلکه توهینی به حافظه تمدنی منطقه نیز محسـوب می‌شود.

کوکل با این اقدام حتی اسـتانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و اسـتفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل اسـت و کوکل باید در برابر آن پاسـخ‌گو باشد. از سـوی دیگر نباید از کنار این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های کوکل این خطـا را تقویت می‌کنند و این موجبی از ترویج نام جعلی را در بین اذهان عمومی موجب می‌شود.

خلیج فارس با تمدنی چندهزارساله، همواره در اسناد تاریخی و جغرافیایی با همین نام شناخته شده و حتی در اسناد عثمانی و اروپایی تا قرن ۲۰ نیز هیچ‌گاه نام دیگری برای آن به کار نرفته اسـت. البته از دهه ۱۹۶۰ جریان پان‌عربیسم (به‌ویژه تحت تأثیر جمال عبدالناصر) شـروع به تبلیغ نام جعلی کرد و برخی کشـورهای عربی نیز با سـرمایه‌گذاری در رسـانه‌های غربی و مؤسسـات آموزشـی، سـعی در نهادینه‌کردن این تحریف داشـتند. شرکت‌های فناوری مانند کوکل نیز برای حفظ بازار خود در کشـورهای عربی، گاهی تسـلیم خواسـته‌های سیاسی آنان شدند. دراین‌بین تنش‌های سیاسـی با ایران نیز باعث شد تا برخی کشورها از نام جعلی بهره ببرند.

در این شـرایط اظهارنظر فشـار مردمی و گزارش جمعی کاربران به کوکل برای تصحیح نام در کنار دیپلماسـی عمومی و درخواسـت رسـمی ایران از نهادهای بین‌المللی برای اصلاح خطای شکل‌گرفته باید به‌عنوان یک اولویت ملی و فراگیر مدنظر قرار گیرد. در غیر این صورت این هویت و میراث ماندگار در معرض تعرض و تحریفی تاریخی اسـت.

سـخن آخر اینکه خلیج فارس، همیشـه فـارس خواهد مانـد و تغییر نام خلیج فارس نه‌تنها یک تحریف جغرافیایی، بلکه حمله به هویت یک تمدن است و کوکل به‌عنوان یک غول فناوری، باید به جای دنباله‌روی از جریان‌های سیاسـی، از حقیقت تاریخی دفاع کند. این نبرد، تنها یک بحث بر سر نام نیسـت، بلکه جنگ برای حافظه جمعی بشر اسـت و خلیج فارس، همیشه و برای همیشه فارس است.

●●●

ثبات خاورمیانه در میانه دو بحران

محمود اشرفی

جهان کنونی با دو بحران بزرگ روبه‌رو اسـت؛ جنگ اوکراین و روسـیه در حوالی اروپا و تحرکات نظامی چین در حوزه پاسـیفیک که در دیپلماسـی پنهان و خزنده در حـد تنیده شـده اسـت. رویارویی روسـیه و اوکراین در مقابلـه با تحرکات چین از نوع دیگری اسـت. جنگ اوکراین ریشه در تمایلات توسعه‌طلبی روسـیه دارد که در چارچوب مدل‌های کلاسـیک توسـعه ارضی در سرزمین‌های بیرامونـی جـای می‌گیرد. اما اسـتراتژی نفوذ چین می‌تواند اهمیـت جهانی را با دشـواری‌های زیادی روبه‌رو کند. جنگ اوکراین در مقابلـه با جنگ تجاری چین تاثیرات بسـیار کمتری بر خاورمیانه خواهد داشـت. در سـال ۲۰۲۵ حضور نظامی چین در جنـوب اقیانوس آرام و اقیانوس هند افزایش یافته اسـت. چین در حال گسـترش بنـدرهای امنیتی یا کشـورهای جزیره‌ای حوزه استراتژیک اقیانوسیه پایه‌گزینه نو و جزایر سلیمان است. تحرکات نظامی چین پیرامون تایوان روزافزون بوده و این کشـور کنسـرو ماتورهای نظامی خود را به اقیانوس هند، دریای عرب، خلیج عمان و تنگه ملاکا کشـانده اسـت. اقدامات نظامی چین در حوزه پاسیفیک تهدیدی برای منافع ملی آمریکاسـت. آمریکا از گسـترش نظامی چین در اقیانوس آرام بیمناک بوده و آن را عاملـی برای برهم‌خـوردن موازنه قوا در ژئوپلیتیک فرا پاسـیفیک به شمار می‌آورد. چین دربازه حوزه پاسیفیک و خاورمیانه از یک اسـتراتژی دوسویه بیروی می‌کند. اسـتراتژی چین در خاورمیانه براسـاس جانبداری از صلح و ثبات است. چین نیمی از انرژی مورد نیاز خود را از خاورمیانه تامین می‌کند.

در سـال ۲۰۲۳ معادل ۵۴ درصد واردات نفت خام چین از خاورمیانه بوده اسـت. چین در دو دهه گذشـته روابط سیاسـی و اقتصادی خود را با کشورهای خاورمیانه گسـترش داده اسـت. گسـترش روابط با تمامی کشـورهای نفت‌خیز خاورمیانـه برای چین اهمیت دارد؛ زیرا برنامه‌ریـزان چینی بر این باورند که نباید واردات نفت به یک کشـور خاص محدود شـده و از هر کشور بیش از ۲۰ درصد نفت مورد نیاز خریداری نشـود. خاورمیانه اقتصادی‌تریـن تامین‌کننده انرژی مورد نیاز چین بوده و ثبات آن در راسـتای کنش‌های سیاسـی و دیپلماتیک این کشور قرار دارد. خاورمیانه در میانه دو بحران جهانی بوده و تاثیرات آنـدکی از بحران اوکراین خواهد داشت. تغییرات ژئوپلیتیکی حوزه پاسیفیک ناشی از تحرکات نظامی چین یک توازن اسـتراتژیک میان منافع چین و آمریکا در خاورمیانه برقرار می‌کند. آمریکا قادر نیسـت ثبات منطقه خاورمیانه یعنی منبع اصلی انرژی چین را دسـتخوش تغییرات کند؛ زیرا در حوزه پاسـیفیک توازن قوا آرام‌تر در راسـتای منافع چین در حال دگرگونی است.

یادداشت

گوگل و پادشاه فریب‌خورده

محمدمهدی اشرفیان رهقی

داسـتان معروف «لباس جدید پادشاه» (The Emperors New Clothes) اثر هانس کریسـتین اندرسـن، روایت دو کلاهبردار اسـت که به پادشاه قبولاند لباسـی فوق‌العاده دوخته‌اند که تنها انسان‌های باهوش قادر به دیدن آن هسـتند؛ درحالی‌که در واقع هیچ لباسی وجود ندارد و افراد نیز از ترس اینکه احمق خوانده نشوند، به وجود لباس تظاهر می‌کنند!

داسـتان از این قرار اسـت که کوکل در ذیل نام خلیج فارس از واژه جعلی نیز به‌طور همزمان اسـتفاده کرده اسـت؛ اقدامی که به‌طور مسـتقیم تحریف تاریخ و جعل یک هویت ساختگی اسـت و داستان معروف لباس پادشاه نیز در حقیقت، شرح حال افراد و نهادهایی نظیر کوکل اسـت که نام جعلی برای خلیج فارس را به کار می‌برند، بی‌آنکه برای بیان حقیقت ارزشی قائل باشند. البته به احتمال فراوان همان‌گونه که در داستان اصلی نیز هیچ‌کس جرئت بازگوکردن حقیقت را نداشت، در فقره جعل نام تاریخی خلیج فارس نیز بسیاری از رسانه‌ها و نهادها از ترس از دست دادن منافع مالی یا سیاسی، جرئت بیان حقیقت را پیدا نمی‌کنند.

متصور اسـت که شـرکتی مانند کوکل، برای حفظ روابط با برخی کشـورهای عربی و منافع تجاری اسـت که حاضر به بیان دروغی به این آشکاری شده اسـت؛ وگرنه چگونه می‌توان باور داشـت شـرکتی که خود یکی از بزرگ‌ترین موتورهای جسـت‌وجوگر در وب را مدیریت می‌کند، تاکنون در متون مسـتند یونانی، رومی، فارسـی و عربی که از هزاران سـال پیش موجود است، با نام‌هایی مانند سینوس پرسـیکوس، Persian Gulf یا خلیج فارس مواجه نشـده باشد. مسلم اسـت این اقدام کوکل و البته قبل‌تر از آن نیـز اظهارات رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، نتیجه یک معامله تجاری با یک توطئه پان‌عربیسم است که برخی کشـورهای عربی با سـرمایه‌گذاری روی رسانه‌ها و شـرکت‌های فناوری سعی در نهادینه‌سـازی آن دارند. اینکه سیاست‌های دوگانه کوکل در به‌کاربردن نام خلیج فارس و نام جعلی آن یک خطای فنی اسـت یا یک جهت‌گیری سیاسی، البته موضوع مهمی اسـت؛ اما آنچه بیش از هر موضوع دیگری حائز اهمیت اسـت، این اسـت که جعل هویت فرهنگی و نقشـه تغییر نام به‌عنوان بخشی از جنگ نرم برای حذف هویت ایرانی این منطقه اسـت. این اقدام نه‌تنها یک اشـتباه تاریخی، بلکه توهینی به حافظه تمدنی منطقه نیز محسـوب می‌شود.

کوکل با این اقدام حتی اسـتانداردهای بین‌المللی را نقض کرده و اسـتفاده از نام جعلی نقض حقوق بین‌الملل اسـت و کوکل باید در برابر آن پاسـخ‌گو باشد. از سـوی دیگر نباید از کنار این اشتباه ساده گذشت؛ چراکه الگوریتم‌های کوکل این خطـا را تقویت می‌کنند و این موجبی از ترویج نام جعلی را در بین اذهان عمومی موجب می‌شود.

خلیج فارس با تمدنی چندهزارساله، همواره در اسناد تاریخی و جغرافیایی با همین نام شناخته شده و حتی در اسناد عثمانی و اروپایی تا قرن ۲۰ نیز هیچ‌گاه نام دیگری برای آن به کار نرفته اسـت. البته از دهه ۱۹۶۰ جریان پان‌عربیسم (به‌ویژه تحت تأثیر جمال عبدالناصر) شـروع به تبلیغ نام جعلی کرد و برخی کشـورهای عربی نیز با سـرمایه‌گذاری در رسـانه‌های غربی و مؤسسـات آموزشـی، سـعی در نهادینه‌کردن این تحریف داشـتند. شرکت‌های فناوری مانند کوکل نیز برای حفظ بازار خود در کشـورهای عربی، گاهی تسـلیم خواسـته‌های سیاسی آنان شدند. دراین‌بین تنش‌های سیاسـی با ایران نیز باعث شد تا برخی کشورها از نام جعلی بهره ببرند.

در این شـرایط اظهارنظر فشـار مردمی و گزارش جمعی کاربران به کوکل برای تصحیح نام در کنار دیپلماسـی عمومی و درخواسـت رسـمی ایران از نهادهای بین‌المللی برای اصلاح خطای شکل‌گرفته باید به‌عنوان یک اولویت ملی و فراگیر مدنظر قرار گیرد. در غیر این صورت این هویت و میراث ماندگار در معرض تعرض و تحریفی تاریخی اسـت.

سـخن آخر اینکه خلیج فارس، همیشـه فـارس خواهد مانـد و تغییر نام خلیج فارس نه‌تنها یک تحریف جغرافیایی، بلکه حمله به هویت یک تمدن است و کوکل به‌عنوان یک غول فناوری، باید به جای دنباله‌روی از جریان‌های سیاسـی، از حقیقت تاریخی دفاع کند. این نبرد، تنها یک بحث بر سر نام نیسـت، بلکه جنگ برای حافظه جمعی بشر اسـت و خلیج فارس، همیشه و برای همیشه فارس است.

عکس: سیدعلاءالدین حسینی، شرق

من تا بـه امـروز با گروه‌هـای بسـیاری همکاری کـرده‌ام. اما مدتی است با گروهی کار می‌کنم کـه بـه نظرم خیلی توانمند و باسوادند، در روزگاری کـه خیلـی سـخت می‌تـوان آدم‌هـای هم‌سلیقه و هم‌ذغنه را پیدا کرد، پیداکردن گـروه و آدم‌هایی که بتوان با آنهـا ارتباط برقرار کـرد و حتی از آنها یاد گرفت، خیلی ارزشمند است

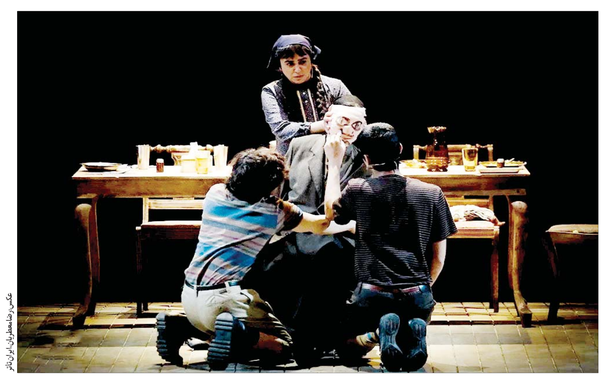

عکس: روابط عمومی رادیو ایران پلاز